## یادداشت

### توانمندسازی تشکیلاتی و گفتمانی اصلاح‌طلبان

محمدرضا جلائی‌پور
پژوهشگر و فعال سیاسی اصلاح‌طلب

پیشنهاد می‌کنم متن «اهداف راهبردی» و «ماموریت‌ها»ی «جبهه اصلاحات ایران» که کانال تلگرامی این جبهه منتشر کرده است را بخوانید. در این متن و فعالیت‌های این جبهه در عمر کوتاه چند هفته‌ای‌اش نشانه‌های نویدبخش چند گام در مسیر «اصلاحات در اصلاحات» و بسط دموکراسی، شفافیت و کارآمدی در این جبهه دیده می‌شود: برای اولین بار جبهه اصلاح‌طلبان در ۲۳ سالی که از عمرش می‌گذرد اهداف راهبردی‌اش را با زبانی روشن و غیرایدئولوژیک بیان کرده است. اگر یکی از شهروندان بپرسند اساسا اصلاحات دقیقا یعنی چه و اصلاح‌طلبان دنبال چه اهدافی‌اند و کیستند، این متن که مورد توافق همه احزاب و شخصیت‌های طیف گسترده جبهه اصلاحات ایران قرار گرفته است پاسخ روشن و دقیقی است. البته درون این جبهه وسیع جریان‌ها و فراکسیون‌های متکثری حضور دارند که در پاره‌ای از زمینه‌ها و سیاست‌ها اختلاف نظر دارند، اما اینکه وجوه اشتراکشان را روی کاغذ آورده‌اند گام مهم و مثبتی است. در اهداف راهبردی ذکر شده توجه به دموکراسی، آزادی‌های اساسی، عدالت، رفع انواع تبعیض، صیانت از محیط زیست، رفع انواع نابرابری، امنیت مثبت، میهن‌دوستی شهروندمحور، سیاست‌های کارآمد در حمایت از آسیب‌پذیرترین شهروندان، توانمندسازی توامان نهادهای مدنی و حکمرانی، حقوق بشر و حقوق شهروندی، فسادستیزی، افزایش ظرفیت‌های حل مساله‌ای بروکراسی و توسعه فراگیر، دموکراتیک، پایدار، عادلانه، مشارکتی، همه‌جانبه و متوازن روشن‌تر و صریح‌تر از قبل ذکر شده و نویدبخش توجه بیشتر اصلاح‌طلبان به این اهداف در گفتمان و برنامه‌هایشان است. برای پرهیز از قرار گرفتن در موقعیت تعارض منافع، عضویت نامزدهای انتخاباتی در مجمع عمومی «جبهه اصلاحات ایران» ممنوع شده و برای رسیدگی به اتهامات فساد نیروها و نامزدهای منتسب به اصلاح‌طلبان کمیته‌ای تعیین شده است که نشانگر افزایش حساسیت این جبهه به فساد است. کمیته‌ای برای پایش عملکرد اصلاح‌طلبان راه‌یافته به دولت و مجلس و شوراها و شهرداری‌ها تعیین شده است که نشانگر توجه این جبهه به ضرورت رصد عملکرد نیروهای اصلاح‌طلب در نهادهای حکمرانی و گزارش شفاف آن به مردم است. تغذیه عملکرد نیروهای اصلاح‌طلب در نهادهای حکمرانی از ماموریت‌های این نهاد ذکر و یکی از کمیته‌ها مامور اجرایش شده که نشانه توجه به ضرورت رفع این نقطه ضعف گذشته در این جبهه است. کادر رهبری و کارآمدی این جبهه ارتقا یافته که یکی از نشانه‌هایش سرعت عملکرد این جبهه در تشکیل، تصویب آیین‌نامه، انتخاب رئیس (بهزاد نبوی) و هیات رئیسه، انتخاب اعضای کمیته‌ها و آغاز به کار کمیته‌ها است که به ویژه در مقایسه با اصولگرایان و دوره‌های پیشین دستاورد قابل توجهی در انسجام‌بخشی و افزایش کارآمدی در این جبهه است. نحوه تشکیل و تصمیمات این جبهه از ابتدا به شکل شفاف اطلاع‌رسانی شده و در متن اهداف و ماموریت‌ها هم بر ضرورت شفافیت عملکرد جبهه تاکید شده است. حمایت از نامزدها مشروط به تعهدشان به مجموعه‌ای از اهداف و برنامه‌های راهبردی اصلاح‌طلبان و استفاده از نیروهای توانا شده که نشانگر عزم این جبهه برای پرهیز از دادن چک‌های سفید امضا به نامزدهای مورد حمایت است. راه‌اندازی سامانه‌ای آنلاین برای ثبت نام از فعالان اصلاح‌طلب کشور و رای‌سنجی و نظرخواهی از بدنهٔ اصلاح‌طلبان کشور مورد تصویب قرار گرفته و ارتباط بیشتر با نهادهای نمایندگی گروه‌های بزرگ اجتماعی هم در دستور کار قرار گرفته است که نشانه توجه اصلاح‌طلبان به تقویت سازوکارهای دموکراتیک درون جبهه‌ای و افزایش مشارکت بدنه اصلاح‌طلبان کشور است. اعضای حقیقی این جبهه این بار نه با انتصاب که با رای‌گیری دموکراتیک نمایندگان احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب انتخاب شده‌اند. موارد بالا در شرایط دشوار فعالیت مصلحانه در زیست‌بوم سیاست رسمی در ایران و به رغم فشارهای غیرقانونی نهادهای امنیتی، همه گام‌هایی ارزشمند و بعضا بلند در جهت نوسازی، بازسازی و توانمندسازی اصلاح‌طلبان است. از میان مطالباتی که چند هفته پیش تعدادی از فعالان مدنی و سیاسی ایران از این جبهه داشتند، چند موردش در همین آیین‌نامه مصوب و تصمیمات همین هفته‌های اخیر محقق شده است و برای تحقق بخش‌های دیگر این مطالبات هم مطالبه‌گری و مذاکره و تلاش جمعی و نهادینه را باید ادامه داد.

## دیدگاه

### چرا چیزی به ذهن‌مان خطور نمی‌کند؟!

ادامه از صفحه یک

و سه چیز را عوامل سازنده می‌دانم: با رفتن به مدرسه و بعد دانشگاه این میل و توانش پرسشگرانه ما هر سال محدود یا حتی گاهی مسدود می‌شود. ۱) تعامل، یعنی داشتن ارتباط با جهان و درگیری عمیق با آن، ۲) تمایل، یعنی داشتن انگیزه و اشتیاق زیاد برای دانستن و یادگیری، ۳) توانایی، یعنی برخوردار بودن از شایستگی‌ها و مهارت‌ها و فرصت‌های کافی. البته همه این عوامل وابسته به زمینه‌های محیطی و ساختاری هستند. آنها که می‌خواهند چیزی به ذهنشان خطور کند باید سبک زندگی و خلق و خوی را برای خود خلق کنند که بتواند در برابر محیط سرکوبگر و اغواکننده مقاومت کند. داشتن «زندگی هدفمند» و «اراده‌ای معطوف به دانستن»، در هر موقعیتی برای اندیشیدن ضروری است. اگرچه نباید فراموش کرد که «تاریخ فردی» و «مسیر زندگی» و بسیاری از عوامل عصب‌شناختی و زیستی سهم مهمی در شکل دادن کیفیت ذهن ما و عملکرد آن دارند. کسانی که می‌خواهند چیزی به ذهنشان خطور کند ناگزیر باید برای این خواسته‌شان بیندیشند و این موضوع تبدیل به «دغدغه وجودی»شان شود. تجربه‌ام نشان می‌دهد کسانی که دغدغه‌ای دارند، می‌توانند بر بسیاری از محدودیت‌های فردی و ساختار تا حدودی غلبه کنند و آن‌ها که دغدغه چیزی را ندارند حتی اگر برخوردار از فرصت‌ها و امکان‌های مادی و عینی بسیاری هم باشند هرگز چیزی به ذهنشان خطور نخواهد کرد. وقتی این تحلیل را همکارم شنید، گفت: «البته تردید دارم که بسیاری از دانشگاهیان بدانند یا نگران این باشند که چیزی به ذهن‌شان خطور نمی‌کند!»

---

رسول منتجب‌نیا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# دولت روحانی گام‌های بلندی برداشت

- دولت دوازدهم از بسیاری مشکلات پیشگیری کرد
- مشکلات اقتصادی قابل حل است

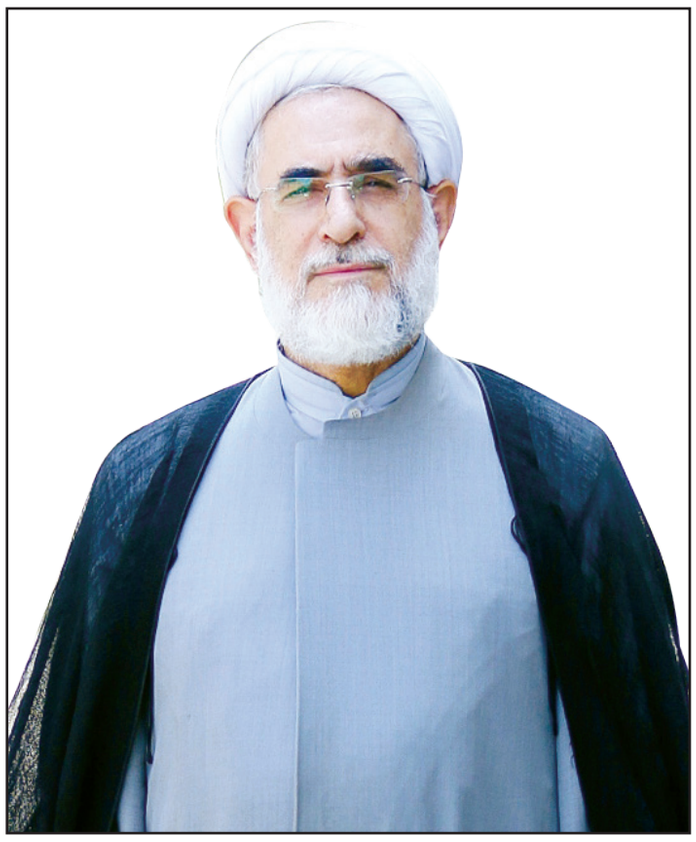

**آرمان ملی -محمدهادی علیمردانی: در سال گذشته نقاط قوت و ضعف بسیاری در دولت وجود داشت و بررسی دقیق مشکلات و نقاط ضعف، می‌تواند کمک شایسته‌ای به دولت‌های آینده باشد تا مشکلات موجود را در دوره مسئولیت خود به خوبی رفع کنند. در همین راستا «آرمان ملی» گفت‌وگویی با رسول منتجب‌نیا فعال سیاسی اصلاح‌طلب داشت که در ادامه می‌خوانید.**

**در روزهای پایانی سال ۹۹ و آخرین سال دولت دوازدهم قرار داریم. عملکرد دولت آقای روحانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

دولت‌های هر کشور از جمله جمهوری اسلامی، عموما هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف دارند. در برخی از امور موفق بوده و توفیقات آنها در برخی از امور کمتر است یا ناموفق هستند. دولت آقای حسن روحانی، ضمن آنکه از ابتدای روی کار آمدن قدم‌های بلندی برداشت و وجود شخص آقای روحانی، کابینه‌اش و ستاد او، از بسیاری مشکلات پیشگیری کرده و تغییر و تحولی ایجاد کرد. خصوصا نقاط ضعفی که در دولت‌های گذشته بود، تا حد زیادی در این دولت جبران شد. گام‌های بلند زیربنایی در این دولت برداشته شد. در زمینه‌های سدسازی، جاده‌سازی و زمینه‌های مختلف، کارهای چشم‌گیری انجام گرفت.

**نقاط ضعفی نیز برای اشاره وجود دارد؟**

نقطه ضعف‌هایی نیز در این دولت موجود بود و انسان می‌تواند از بیان نقاط ضعف به نتیجه‌ای برسد تا دولت‌های آینده ضمن داشتن نقاط قوت این دولت، از پدید آمدن نقاط ضعف پیشگیری کنند. البته همین جا اشاره کنم که بخشی از نقطه ضعف‌ها، مربوط به خود دولت نیست یا ظرفیت کشور محدود است یا مداخلات قانونی و غیرقانونی موجب ناموفق بودن دولت در بخشی از زمینه‌ها می‌گردد. بخشی از نقاط ضعف نیز مربوط به تحریم‌ها و فشارهای خارجی است. به طور یقین بخش زیادی از نقاط ضعف مربوط به خود دولت است.

**چند مصداق از عملکرد ضعیف دولت را نام ببرید.**

یکی از این نقاط ضعف این است که در دولت آقای روحانی کمتر به نظر کارشناسان و صاحب‌نظران توجه می‌شود. مجموعه یاران آقای روحانی، خود را از گرفتن نظرات و پیشنهادات اقتصاددان، کارشناسان فرهنگی، سیاست‌مداران و غیره بی‌نیاز می‌بینند. لذا اگر احیانا در مواردی نیز نظر گرفته شود، به طور جد و کامل بدان عمل نمی‌شود. از باب مثال می‌توان مطالب اقتصادی را ذکر کرد. من بارها یا مستقیما با اقتصاددانان صحبت داشته‌ام یا مطالب آنان را خوانده‌ام. آنان پیشنهاداتی دارند و اذعان می‌کنند که مشکلات اقتصادی قابل حل است ولی راه‌حل آن، روشی که دولت دنبال می‌کند نیست. دولت‌های دیگر باید خود را نیازمند نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران ببینند. این دو نکته منافاتی ندارد که وقتی نظرات گرفته شد، رئیس‌جمهور یا دولت خود تصمیم بگیرد و به نظر مجموعه خود دولت، کمیته‌ها یا حلقه اول و دوم اطراف رئیس‌جمهوری اکتفا نکند. مساله دیگر یا نقطه ضعف دوم ناهماهنگی است که انسان میان اجزا و اعضای دولت در مسائل اقتصادی، معیشتی و... مشاهده می‌کند. در رابطه با گرانی، تورم و امثال آن چند وزارتخانه مسئولیت دارند. از وزارت اقتصاد گرفته تا وزارت جهاد و سازندگی و وزارت صمت و بعضی دیگر از وزارتخانه‌ها، به صورت فرعی در حوزه اقتصادی مسئولیت‌هایی را بر عهده دارند. زمانی که هر کدام از این وزارتخانه‌ها صحبت می‌کنند، به قول معروف، توپ را به زمین دیگری انداخته و خود را از مسئولیت مبرا می‌کنند. همین سلب مسئولیت، تا حدی کشور را در زمینه مورد ذکر دچار مشکل خواهد کرد.

**یعنی نظارت صحیحی بر حدود وظایف وزارتخانه‌ها وجود ندارد؟**

وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید وزارت صنعت، معدن و تجارت مقصر است و این وزارتخانه می‌گوید وزارت جهاد مشکل دارد. ممکن است هر دو وزارتخانه بگویند در معضل به‌وجودآمده وزارت اقتصاد یا بانک‌ها تقصیر دارد. این نشان از ناهماهنگی درون دولت در بخشی مانند اقتصاد است. در زمینه‌های دیگر نیز می‌توان نظیر همین مشکلات را به نوعی دیگر شناسایی و مثال‌هایی را ذکر کرد. این ناهماهنگی موجب خسارت‌های زیادی بر ملت شده است و کسی نیز پاسخگوی این وضعیت نبوده و نیست. امکان دارد آقای رئیس‌جمهور پاسخی کلی ارائه دهند که مشکلات کشور زیاد است، تولید این مشکلات را دارد یا تحریم‌ها تا این حد فشارهایی را متوجه کشور کرده است یا اینکه ما اصرار داشته‌ایم بخش بازرگانی از سایر وزارتخانه‌ها جدا شده و وزارت بازرگانی تشکیل شود اما مخالفت‌هایی انجام گرفت و اجازه لازم داده نشد. ممکن است این موانع نیز بخشی از علت مشکلات باشد که قطعا به همین صورت خواهد بود اما به‌هرحال معاون اول رئیس‌جمهور و معاونان دیگر باید چنان اشراف و تسلطی داشته باشند که اجازه ایجاد مشکل از سمت وزارتخانه‌ها را نداده که اجازه ندهند آنها خود را از مشکلات مبرا کنند یا آنها را به دیگری نسبت دهند. این ناهماهنگی بسیار مشهود است. زمانی که صداوسیما برنامه‌های اقتصادی را مطرح کرده و گاهی گفت‌وگویی بین وزارتخانه‌ها می‌گذارد، انسان از ناهماهنگی‌هایی که میان دو یا سه وزارتخانه و ارگان دولتی وجود دارد، متاثر می‌شود. این هم یکی از مسائلی است که می‌توان روی آن انگشت گذاشت و دولت‌های دیگر باید واقعا برای این معضل فکری کنند. رئیس‌جمهور نمی‌تواند خود را از ایفای نقش در این زمینه مبرا بداند و بگوید این وزارتخانه یا وزارتخانه دیگری به مسئولیت خود عمل نکرده و من مقصر نیستم. به‌هرحال تمامی وضعیت کلی به‌وجودآمده، پای دولت و شخص رئیس‌جمهوری نوشته می‌شود.

**چه مصادیق دیگری از عملکرد ضعیف دولت وجود دارد؟**

یکی دیگر از نواقصی که می‌توان روی آن دست گذاشت و بدان اشاره کرد، مساله عدم توجه به اولویت‌هاست. امکان دارد، دولت جواب بدهد که ما اولویت‌ها را بدین صورت طبقه‌بندی می‌کنیم اما بالاخره باید به واقعیت‌های جامعه توجه شود. اولویت اول برای مردم سفره آنان و زندگی و معیشت شبانه‌روزی آن‌هاست. درست است که آب، برق، گاز، سد، جاده و همه اینها به معیشت پیوند خورده است اما مساله‌ای که به چشم مردم می‌رسد، همین معیشت روزمره است. دوستان ما در دولت‌های خیلی قبل هم تذکر داده می‌شد که به هر حال باید نگاه کنیم و ببینیم، از سر سفره مردم چه چیزی کم شده یا چه چیزی بدان افزوده شده است. مردم این را بیشتر مورد توجه خود قرار می‌دهند. هرچه آمار دهید که ما چند هزار متر جاده یا سد ساخته یا راه‌آهن بنا کرده‌ایم، بسیاری از مردم اهمیتی برای این فعالیت‌های زیرساختی قائل نخواهند بود. عده کمی می‌توانند اینها را بپذیرند اما نگاه اکثریت به قیمت نان، تخم‌مرغ و مواد اولیه نیاز عمومی است. باید توجه فوق‌العاده‌ای به این نکات داشت. دولت توجه کافی را به این مساله نداشت. اگر بخواهیم وارد جزئیات شویم، نکات بسیار دیگری را نیز می‌توان ذکر کرد. این چند نقطه ضعف مسائلی بود که باید در کنار همه نقاط قوت دولت بدان اشاره کرد. امیدواریم دولت آینده هم نقاط قوت این دولت‌ها را داشته باشد و هم از نقاط ضعف مبرا باشد.

---

سعید شریعتی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# نهاد ریاست جمهوری باید در نظر مردم احیا شود

- دغدغه مردم اصلاح‌طلب و اصولگرا نیست
- مردم بخواهند جدی انتخاب کنند حتما مشارکت می‌کنند

**آرمان ملی - حمید شجاعی: انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم ۳ ماه دیگر در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ برگزار خواهد شد و از جریان‌های سیاسی که ماه‌هاست به برنامه‌ریزی جهت حضور در انتخابات پرداخته‌اند تا دستگاه‌های اجرای و نظارتی که چندی است کار خود را معطوف به انتخابات ۱۴۰۰ آغاز کردند همه به نحوی مشغولند تا انتخاباتی مشارکتی و درخور شأن کشور برگزار گردد.**

این در حالی است که هنوز فضای جامعه با انتخابات بیگانه است. گویی اینکه قرار نیست در ماه‌های آینده یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین انتخابات کشور رخ دهد. هرچند برخی معتقدند این رویکرد خنثی ناشی از نارضایتی‌های موجود در جامعه نسبت به روندهای موجود است. آنچه مسلم است مشارکت حداکثری در گرو حضور پرشکوه مردم در انتخابات است و این امر هم مولفه‌ها و لوازمی دارد که باید در این فاصله ۳ماهه تامین شود. برای بررسی شرایط انتخابات ۱۴۰۰، نقش و نگاه مردم به این انتخابات و عوامل موثر بر آن «آرمان ملی» با سعید شریعتی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو حزب اتحاد ملت به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

**بسیاری از اصلاح‌طلبان مطرح می‌کنند اگر شرایط تغییر کند و مردم پای صندوق‌های رای بیایند می‌توان به پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری امیدوار بود؛ نگاه مردم به اصلاح‌طلبان را در فاصله ۳ ماه تا انتخابات اینگونه می‌بینید؟**

موضوع اصلا بحث اصلاح‌طلب و غیراصلاح‌طلب نیست، بلکه موضوع نهاد ریاست جمهوری است. جامعه نسبت به اعتبارزدایی از این نهاد دغدغه دارد و بخش‌هایی از جامعه نسبت به نهاد ریاست جمهوری و کارآمدی دولت توانمندی این نهاد برای حل مسائل دغدغه دارند. نه اینکه موضوع این باشد که بهتر است کدام جناح سیاسی این نهاد را در اختیار بگیرد و برنامه‌های بهتری را به منصه ظهور برساند. این دغدغه باید رفع شود. یعنی مردم به کم‌اثر بودن رای خودشان معترضند نه اینکه «اصلاح‌طلب؛ اصولگرا؛ دیگه تمومه ماجرا». دیدم آقای ضرغامی نیز اعلام کاندیداتوری خود را با شعار براندازهای کف خیابان شروع کرد، اما می‌خواهم بگویم که این راه که برخی از آقایان می‌روند به ترکستان است، چراکه برنامه مردم در درجه اول اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نیست. مساله کارآمدی و اثر نهاد و جایگاه به معنای قوه مجریه در جایگاه سازوکارهای مدیریت اداره کشور است. این دغدغه را باید برای جامعه رفع کرد و نشان داد که طبق قانون اساسی رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است و به اصل ۱۱۳ قانون اساسی رای می‌دهند و مسئول اجرای قانون اساسی بعد از مقام معظم رهبری دومین مقام عالی‌رتبه کشور یعنی رئیس‌جمهور و صاحب اختیارات گسترده در هماهنگی قوای ۳ گانه و نیروهای مسلح از جایگاه ریاست شورای عالی امنیت ملی است. ضمن اینکه دولت به معنی هیات وزیران، سازمان‌ها و نهادهای زیرمجموعه‌اش، معاونت‌های رئیس‌جمهوری و سازمان‌هایی که زیر نظر خود رئیس‌جمهور هستند قدرت قابل ملاحظه‌ای در کشور دارند، موثرند و اگر انتخاب درستی اتفاق بیفتد، می‌تواند سرنوشت کشور را به سمت و سوی فلاح و صلاح جهت بدهند. از طرف دیگر هم تضمین می‌دهند برنامه‌ای که به مردم اعلام می‌کنند و از طرف مردم رای می‌گیرند تمام توان کشور به آن برنامه معطوف شود تا به منصه ظهور برسد. اگر این اتفاق رخ دهد اینکه یک کاندیدای اصلاح‌طلب یا اصولگرا برنامه اعلام کنند و سپس رای بیاورند به موضوعی فرعی تبدیل می‌شود. موضوع اصلی این است که نهاد ریاست جمهوری باید در نظر مردم احیا شود.

**پس از انجام این مساله گام بعدی معطوف به انتخابات چیست؟**

از این مرحله که عبور کردیم و وقتی دولت توانمندی روی کار است و مردم از دولت مطمئنند؛ مساله اصلاح‌طلبان این می‌شود که حالا انتخابات آزاد و رقابتی اتفاق بیفتد. لذا این شرط کافی برگزاری انتخابات سالم و پرشور و با مشارکت بالای مردم است. شرط لازم احیای نهاد دولت در نظر مردم است که باور کنند رئیس‌جمهوری که انتخاب می‌کنند واقعا رئیس‌جمهور است و از همه اختیارات قانونی در اجرای برنامه مورد اقبال اکثریت مردم برخوردار است و مانعی بر سر راه او نیست. اما شرط کافی نیز همان است که انتخابات رقابتی، سالم و آزاد باشد و اصلاح‌طلبان و سایر جناح‌های سیاسی بتوانند در این فضا به فعالیت و کنش‌گری بپردازند. برخی از جریانات هستند که هم منتقد اصلاح‌طلبان و هم منتقد اصولگرایان هستند و آنها نیز باید بتوانند کاندیدایی ارائه کنند که اگر هم صددرصدی نیست اما کاندیدایی باشد که نسبت به برنامه‌های اصلاح‌طلبان متعهد باشد. نه اینکه جریانی از روی ناچاری شب آخر کاندیدایی را انتخاب کند و بگوید که هیچ‌کس نبود و این شخص آمد. چون این رویکرد کفایت نمی‌کند و بعضا این جریان اصلاح‌طلب یا اصولگرا دبه خواهند کرد و خواهند گفت این کاندیدای نیابتی بوده و مسئولیت او را به عهده نمی‌گیریم.

**نارضایتی مردم که موجب ریزش پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان و دولت شده نیز ناشی از همان مورد اول یعنی عدم باور به نهاد ریاست جمهوری است یا سویه دیگری دارد؟**

به نظر من باید این بخش مردم را اصلاح کنیم و با ملاحظه و محافظه‌کاری از مردم صحبت کنیم. نمی‌توان یک مفهومی را اطلاق به کل داد. بالاخره این نارضایتی را می‌بینیم که در اکثریت جامعه وجود دارد ولی از طرف مردم خیلی یکپارچه حرف نزنیم. برخی نیز اینگونه مثل من و شما ناراضی نیستند. بالاخره برخی از حداقل‌های ممکن نیز راضی‌اند. حال شاید گفته شود اگر این رضایت وجود داشت چرا انتخابات ۹۸ مشارکت مردم حداقلی بود. باید بگویم که در انتخابات ۹۸ نیز ۴۰ درصد مردم شرکت کرده بودند و نمی‌توان از کنار این قشر به‌راحتی عبور کرد. البته پیش از این نیز گفته‌ام که انتخابات ۹۸ اصلا معیار خوبی برای سنجش وزن نیروهای سیاسی در جامعه نیست. برای اینکه حداقل اصلاح‌طلبان در بازی نبودند و به عبارتی روی باسکول نرفتند که وزن بکشند. شما نمی‌توانید همینطور بگویید همه آن ۶۰ درصدی که شرکت نکردند اصلاح‌طلب بودند، چراکه سنجش‌ناپذیر نیست. موقعی می‌توان یک تیم را ارزیابی کرد که در لیگ حضور داشته باشد و پس از تعداد بازی‌های مشخص مثلا به دسته دوم برود. اما وقتی تیمی در لیگ حضور نداشته چگونه می‌توان گفت که این تیم خوب یا بد بوده است.

**پس می‌توان امیدوار بود که با توجه به شروط لازم و کافی که برشمردید و انجام آنها شاهد انتخاباتی حداکثری باشیم؟**

فرض کنید فردا رفراندوم قانون اساسی باشد، خب مشارکت خیلی بیشتر خواهد بود. ولی مساله این است که الان موضوعیت نهاد ریاست جمهوری به چالش کشیده شده است. من معتقدم اگر واقعا مردم بخواهند یک چیز جدی را انتخاب کنند حتما مشارکت می‌کنند. البته جدی نه توهمی چراکه بخش‌هایی از مردم می‌گویند موضوع سرکاری است که این نباید باشد. اگر به دنبال افزایش مشارکت و پایگاه مشروعیت مردمی هستیم باید به همه مردم و جناح‌های سیاسی و بازیگران عرصه جامعه مدنی اثبات شود که انتخابی جدی می‌کنند نه اینکه اضطرارا بین بد و بدتر انتخاب کنند و بعد بگویند که چیز مهمی انتخاب می‌کنیم. پس از آن مشخص می‌شود که برنامه جریان‌های سیاسی چگونه است و چگونه عمل خواهند کرد.

**اگر انتخابات برای مردم جدی باشد؛ جایگاه ریاست جمهوری احیا شود می‌توان به موفقیت اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ امیدوار بود؟**

معتقدم حتما گزینه‌ها و برنامه‌هایی داریم که می‌توانیم اقبال جامعه را به خود جلب کنیم. من این را مدعی هستم برای اینکه کار کردم و می‌دانم که اصلاح‌طلبان از توانمندی‌های بسیاری برخوردارند، روزآمدند و با ادبیات توسعه کشور و موانع و مشکلات پیش روی کشور آشنا هستند، چالش‌ها و بحران‌ها را می‌شناسند و راه‌حل دارند. اصلاح‌طلبان شخصیت‌های مهم و موثری دارند در این زمینه که پاکدست و به رای مردم متعهد هستند و نقطه تاریکی در پرونده آنها وجود ندارد و از این افراد الی ماشاءا... در جریان اصلاحات وجود دارد.

---

## فرارو

فرمانده سنتکام:

### واشنگتن تمایلی به جنگ با ایران ندارد

فرمانده سنتکام با بیان اینکه آمریکا تمایلی به جنگ با ایران ندارد تاکید کرد: دولت جو بایدن درصدد ارزیابی سیاست دو سال اخیر علیه ایران است. کنت مک کنزی در گفت‌وگو با شبکه ال بی سی لبنان گفت: آمریکا در دو سال گذشته سیاست فشار حداکثری علیه ایران را در پیش گرفت و دولت جو بایدن اکنون درصدد ارزیابی این سیاست است. وی تاکید کرد که آمریکا تمایلی به جنگ با ایران ندارد و دولت بایدن به دنبال این است که کارها با ایران را به پیش ببرد. مک کنزی در پاسخ به این سوال که ایرانی‌ها متعهد شده‌اند که انتقام خون سردار سلیمانی را بگیرند گفت: نیروهای مسلح آمریکایی برای هرگونه احتمالی آماده هستند و اگر لازم باشد ما آماده پاسخگویی خواهیم بود. فرمانده سنتکام در ادامه خاطرنشان کرد: حملات حوثی‌ها علیه عربستان یک اقدام خصمانه است و حمله علیه نیروهای ما در عراق که به احتمال زیاد از سوی نمایندگان ایران انجام می‌شود نیز اقدامی خصمانه است و درنهایت این امر به کسی که رویکردش آرامش بیشتر است، کمک نخواهد کرد.

**رد دخالت ایران**

نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد بارد هرگونه دخالت ایران در حملات اخیر به پایگاه‌های آمریکایی در عراق، حمله هوایی آمریکا به نیروهای عراقی را نقض حقوق بین‌الملل دانست. مجید تخت روانچی اخیرا در نامه‌ای به آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد و رئیس شورای امنیت، به ادعای نمایندگی آمریکا که حمله به پایگاه‌های این کشور در عراق را به نیروهای مورد حمایت ایران منصوب کرده بود، این پاسخ را مطرح کرد. وی افزود: نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل متحد تلاش کرده است، جمهوری اسلامی ایران را به حمایت از به اصطلاح «گروه‌های شبه نظامی غیردولتی» در عراق متهم کند، که به این وسیله همچون گذشته، قاطعانه رد می‌شود. نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در هیچ حمله مسلحانه توسط هر نهاد یا فردی علیه ایالات متحده در عراق دخالت نداشته است. به این ترتیب، هرگونه ادعا مبنی بر مشارکت صریح یا ضمنی ایران در حمله به نیروهای آمریکایی در عراق را رد می‌کنیم. چنین انتسابی کاملا بی پایه و اساس، فاقد اعتبار قانونی و باطل است. تخت‌روانچی اضافه کرد: جمهوری اسلامی ایران حمله نظامی غیرقانونی نیروهای ایالات متحده علیه نیروهای عراقی در مرز سوریه و عراق در ۲۵ فوریه ۲۰۲۱ را محکوم می‌کند. وی خاطرنشان کرد: چنین اقدامات خطرناک که به طور کاملا اشتباه بر اساس تفسیر خودخوانده ماده ۵۱ منشور سازمان ملل توجیه می‌شود، نقض حاکمیت کشورهای منطقه و نماد آشکاری از نقض فاحش حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است. نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد اظهار کرد: این مساله، اوضاع متشنج در منطقه را تشدید می‌کند و در عمل، فقط در خدمت منافع سوء گروه‌های تروریستی در این کشورها است که باید متوقف شود. روانچی خواستار ثبت این نامه به عنوان سند شورای امنیت سازمان ملل متحد شده است.

## نکته و نظر

احمد دستمالچیان:

### سفر پاپ به عراق بیشتر یک حرکت نمادین بود تا سیاسی

کارشناس مسایل منطقه با اشاره به سفر پاپ به عراق خاطرنشان کرد: این سفر با اهداف مذهبی و دینی و برای ارسال پیام صلح و آرامش انجام شد؛ نباید از این سفر ابعاد و انتظارات سیاسی خاصی داشت. احمد دستمالچیان با اشاره به سفر پاپ به عراق و ابعاد مختلف این سفر اظهار کرد: در عراق، سوریه و تا حدودی لبنان مسیحیان حضور سنتی و باستانی دارند و اقلیت قومی محسوب می‌شوند اما در عربستان و دیگر کشورهای عربی این حضور را شاهد نیستیم از این رو سفر پاپ به عراق قابل توجیه است. علاوه بر این عراق به تازگی از یک جنگ ویرانگر توسط تکفیری های وحشی خارج شده است و پاپ همان طور که اعلام هم شد برای تسکین آلام مردم عراق و ابراز همدردی با آنها این کشور را انتخاب کرد. وی ادامه داد: از سوی نزدیکان پاپ گفته شد که ایشان کتابی از یک دختر ایزدی که خانواده‌اش را به طور کامل در جنگ از دست داده و این کتاب به زبان ایتالیایی ترجمه شده است را خوانده است و تصمیم گرفته در عراق حضور یابد. این دیپلمات پیشین کشورمان خاطرنشان کرد: به نظرم سفر پاپ بیشتر یک حرکت نمادین بود تا سیاسی. دیدارش با آیت‌ا... سیستانی به خاطر این بود که پیام صلح و دوستی و آرامش و ثبات بین ادیان مختلف به ویژه مسیحیت و اسلام با توجه به زندگی پیروان این ادیان در این کشور، رد و بدل شود و معتقدم پیام مورد نظر هم منتقل شد. به علاوه این سفر اثرات روانی خوبی در دیدگاه مردمان این کشور داشت. دستمالچیان ادامه داد: نباید برای این سفر بیش از ابعاد انسانی و دینی نقش قائل باشیم. نه پاپ شخصیت سیاسی است و نه آیت‌ا... سیستانی و نه اساسا مساله سیاسی برای این سفر مطرح بوده است. برخلاف تبلیغاتی که در رسانه‌های غربی شد این سفر بعد سیاسی نداشت. گاهی ممکن است نیت‌های شوم و پلیدی پشت برخی تبلیغات باشد که باید مراقب بود. وی با اشاره به دوران سختی که عراق در مقابله با داعش و تکفیری‌ها گذراند و شهدایی که در این راه تقدیم شد اظهار کرد: این آرامش و امنیت و ثبات در عراق را مدیون سردار شهید سلیمانی و امثال ابومهدی المهندس و همراهانش می‌دانیم که در مقابل با تروریست‌های تکفیری به دست آمد. عراق دیگر عراق صدام نیست، عراق جدیدی است که روند جدید مردم سالاری را طی می‌کند و خبری از رژیم مستبد و دیکتاتور نیست، به علاوه کشورهایی که هنوز نتوانسته‌اند مردم سالاری را تجربه کنند و انتخاباتی در خود ندیده‌اند و رژیم هایی مستبد و دیکتاتور دارند، بی تردید عراق برای مردم آنها الگو خواهد بود و در قرن جدید این گونه رژیم ها دیگر جایی ندارند.